

چارچوب نظری عرضه پول (مقایسه تطبیقی اقتصاد متعارف و اقتصاد با رویکردی اسلامی)

* محمود عیسوی

** محمدمهدی مجاهدی مؤخر

*** امیر خادم علیزاده

**** معصومه آقاجانی

چکیده

مبحث پول یکی از مناقشه برانگیزترین مباحث اقتصادی است؛ به طوری که فهم صحیح مفاهیم مرتبط با پول، شرط اساسی درک مناسب از کارکرد اقتصاد و تعامل اجزای آن محسوب می‌شود. این پژوهش با هدف بررسی و نقد عرضه پول در سطح کلان (با پایه‌های خرد) در اقتصاد متعارف و اقتصاد با رویکرد اسلامی به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته و به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد: خلق پول، در اقتصاد اسلامی امکان‌پذیر است؟ عرضه پول درون‌زا است یا برون‌زا؟ عرضه پول در اقتصاد با رویکردی اسلامی تابع چه متغیرهایی است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ایراداتی که به خلق پول از منظر اقتصاد اسلامی وارد است عبارتند از: بی‌ثباتی اقتصادی، فقدان عدالت اجتماعی، کاهش رشد اقتصادی، عدم ایفای تعهد بازپرداخت سپرده‌ها توسط بانک‌ها. لذا خلق پول از هیچ توسط بانک‌ها در اقتصاد با رویکرد اسلامی مشروعیت ندارد. در چارچوب آموزه‌های اسلامی، امکان انتشار پول متناسب با تولید حقیقی فقط برای دولت (بانک مرکزی) وجود دارد، چرا که دولت اسلامی در راستای منافع عمومی قدم برمی‌دارد و لذا منافع ناشی از انتشار پول دوباره به خود مردم باز خواهد گشت. بانک‌های تجاری یک واسطه مالی هستند که امکان خلق پول ندارند و سپرده‌های بانکی، پول محسوب نمی‌شوند. در اقتصاد

* استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول) eisavim@yahoo.com

** استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی m_mojahedi2004@yahoo.com

*** استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی khademalizadeh.a@gmail.com

**** دانشجوی دکتری رشته علوم اقتصادی گرایش اقتصاد اسلامی، دانشگاه علامه طباطبایی

maghajani83@gmail.com

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری معصومه آقاجانی، دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبایی، با عنوان «عوامل مؤثر بر تابع عرضه و تقاضای پول در اقتصاد اسلامی» می‌باشد.

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۵/۱۹

فصلنامه راهبرد/اقتصادی، سال هشتم، شماره بیست‌وهشتم، بهار ۱۳۹۸، صص ۲۰۴-۱۷۵

با رویکرد اسلامی، با توجه به دیدگاه تطابق‌گرایان و با محدودیت قائل شدن در زمینه نرخ بهره بر اساس آموزه‌های اسلامی، عرضه پول درون‌زا در نظر گرفته می‌شود. در پایان، عوامل مؤثر بر عرضه پول عبارتند از: تولید حقیقی، تورم، درجه اعتماد مردم به نظام پولی.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد اسلامی، اقتصاد پولی، عرضه پول، خلق پول، درون‌زایی عرضه

پول

طبقه‌بندی JEL: E51, E49, P44, Z12

مقدمه

پول، پس از قرن‌ها تجربه بشر، به عنوان یکی از مهم‌ترین اختراعات بشری محسوب می‌گردد. این پدیده موجب از میان برداشته شدن مشکلات به وجود آمده از طریق مبادلات پایاپای شده و مبادله را تسریع و تسهیل کرده است. پول را می‌توان از ابعاد مختلفی مورد بحث قرار داد و لذا تعاریف مختلفی برای آن به کار برده شده است. «میشکین»^۱ (۲۰۰۴: ۴۴) بیان می‌کند: «یک تعریف دقیق و یکتا از پول در میان اقتصاددانان وجود ندارد». پول در واقع وسیله مبادله است و نه چیز دیگری. پول باید مبادله کالاها را تسهیل کرده و مشکلات را دور بزند. (گزل، ۱۳۸۳: ۲۱۵) پول یک پدیده و قرارداد اجتماعی بوده (Harris, 1989: 4) و یک ابداع بشر جهت سهولت انجام مبادلات است. لذا به جای تعریف پول بر اساس ماهیت آن، مرسوم شده است که پول را بر اساس «کارکردها»^۲ و وظایف آن تعریف می‌کنند. (حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۴: ۲۲) ما نیز در این پژوهش به عنوان یکی از پیش‌فرض‌ها می‌پذیریم که پول وسیله مبادله است. از آن جا که فهم صحیح مفاهیم مرتبط با پول، شرط اساسی درک مناسب از کارکرد اقتصاد و تعامل اجزای آن محسوب می‌شود و شناخت دقیق‌تر تابع عرضه پول، پشتوانه نظری قوی‌تری برای سیاست‌های بانک مرکزی ایجاد کرده و تبیین و تحلیل عرضه پول می‌تواند به غنای ادبیات اقتصاد با رویکردی اسلامی کمک کند؛ لذا این پژوهش به بررسی و نقد عرضه پول در سطح کلان (با «پایه‌های خرد»^۳) در اقتصاد با

1. Mishkin

2. functions

3. microfoundation

رویکرد اسلامی پرداخته و قصد دارد به این پرسش‌ها پاسخ دهد که در اقتصاد بدون بهره، عرضه پول درون‌زا است یا برون‌زا؟ خلق پول، در اقتصاد با رویکردی اسلامی امکان‌پذیر است؟ و عرضه پول در اقتصاد با رویکردی اسلامی تابع چه متغیرهایی است؟.

در سال‌های گذشته کمتر نوشته‌ای را می‌توان یافت که در مورد عرضه پول در اقتصاد با رویکرد اسلامی صحبت کرده باشد و بیشتر تحقیقات در مورد خلق پول به تنهایی (به صورت کلی و یا در رابطه با کشوری خاص) بحث کرده‌اند. درون‌زایی و برون‌زایی عرضه پول نیز از دیگر مباحثی است که در کمتر تحقیقی مورد بررسی قرار گرفته است. در اکثر تحقیقات عرضه پول برون‌زا در نظر گرفته شده و آن‌هایی که به درون‌زایی عرضه پول معتقدند به مقوله‌ی حذف نرخ بهره و حرام بودن ربا در اسلام توجهی نداشته‌اند. لذا تفاوت این پژوهش با سایر پژوهش‌ها در این است که قصد دارد به بررسی عرضه پول و عوامل مؤثر بر آن از منظر اقتصاد با رویکردی اسلامی پرداخته و بحث خلق پول و درون‌زایی یا برون‌زایی عرضه پول را در اقتصاد متعارف و اقتصاد با رویکرد اسلامی (به عبارت دیگر با توجه به آموزه‌های اسلامی و مقوله‌ی حذف نرخ بهره و حرام بودن ربا در اسلام) مورد بررسی قرار داده و در انتها رابطه جبری برای عرضه پول ارائه نماید. در ادامه این مقاله، ابتدا ادبیات پژوهش (شامل سیر تحول پول و پیشینه علمی مرتبط با موضوع پژوهش) بیان می‌گردد. در ادامه بحث از خلق پول و امکان یا عدم امکان خلق پول در اقتصاد با رویکرد اسلامی به میان می‌آید. پس از آن، در زمینه درون‌زایی یا برون‌زایی عرضه پول بحث شده و در پایان، عوامل مؤثر بر عرضه پول در اقتصاد با رویکرد اسلامی بیان می‌شود.

ادبیات پژوهش

در این بخش، ابتدا سیر تحول پول و عرضه آن مطالعه شده و سپس پیشینه علمی مطالعه‌های انجام گرفته در زمینه عرضه پول مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

سیر تحول پول و عرضه آن

پول از زمان‌های بسیار قدیم وارد روابط و مبادلات بشری شده است. سیر تکاملی پول را به طور خلاصه می‌توان این گونه بیان کرد: پول در ابتدا به صورت کالا بوده و در مبادلات، کالاها در ازای کالاها و خدمات دیگر مورد پذیرش واقع می‌شدند (پول کالایی). گوناگونی کالاهای مورد استفاده به عنوان پول و بحث استهلاک و مشکل نگهداری آن‌ها باعث گردید به جای تعدد کالاها، کالاهای خاصی که دارای استاندارد بوده و دارای عمر بیشتری بودند، به عنوان پول مورد استفاده قرار گیرند که در این میان طلا و نقره با توجه به محدودیت عرضه و مقبولیت عمومی به عنوان وسیله مبادله و ارزش‌گذاری پذیرفته شدند (پول فلزی). پس از مدتی با توجه به مشکل حمل و نقل طلا و نقره و حفظ و نگهداری آن‌ها و ...، صرافان در قبال دریافت پول فلزی از تجار و مردم، رسیدهای کاغذی به آن‌ها دادند که در ازای دریافت کالاها مورد پذیرش واقع شدند. بنابراین پول کاغذی اختراع و جایگزین پول فلزی گردید. با گسترش معاملات و شهرنشینی، چک در معاملات جایگزین پرداخت پول نقد یا اسکناس شد که به آن پول تحریری گفته می‌شود و در کشورهای صنعتی بیشترین کاربرد را در معاملات دارد. در سال‌های اخیر پول الکترونیکی وسیله مبادله مسلط اقتصاد گردید. در دنیای مدرن امروز، زندگی بشر بدون وجود و عرضه پول امری محال به نظر می‌رسد.

پیشینه علمی مطالعه‌های انجام گرفته در زمینه عرضه پول از منظر اقتصاددانان

مسلمان

در مطالعه‌های انجام گرفته بر روی عرضه پول توسط اقتصاددانان مسلمان، عرضه پول کمتر مورد مطالعه مستقیم قرار گرفته و در بیشتر مطالعات در زمینه خلق پول (به طور عام و یا در یک کشور خاص) بحث شده است.

بازمحمدی (۱۳۷۸) در پژوهش خود به بررسی عرضه پول در اقتصاد ایران پرداخته است. این مطالعه برای دوره زمانی ۷۶-۱۳۴۰ و با روش رگرسیون «OLS» انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بخش خصوصی از طریق واکنش به شرایط اقتصادی و تغییر در نسبت‌های اسکناس و مسکوک به

سپرده‌های دیداری و نسبت سپرده‌های سرمایه‌گذاری به سپرده‌های دیداری، در فرآیند خلق پول نقش قابل توجهی دارد.

الزامل و بن‌جیلالی (۱۳۷۸) تا حدودی به بحث عرضه پول پرداخته‌اند. ایشان حجم پول را به صورت گسترده‌تر شامل پول و اسکناس در دست مردم، حساب‌های جاری، حساب‌های قابل برداشت فوری از سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و حساب‌های سپرده سرمایه‌گذاری کوتاه مدت تعریف و معادله ریاضی ضریب تکاثری حجم پول را ارائه داده‌اند. سپس منحنی عرضه‌ی پول را به صورت صعودی در فضای Ms (عرضه پول) و π (نرخ سود انتظاری) ترسیم کرده‌اند.

فرزین‌وش و رحمانی (۱۳۷۹) به بررسی عرضه پول در اقتصاد ایران پرداخته‌اند. این مطالعه با استفاده از داده‌های مربوط به سال‌های ۷۵-۱۳۳۸ و به روش رگرسیونی «OLS» انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فشارهای هزینه‌ای (به دلیل اینکه قبل از وقوع درآمدها به وجود می‌آیند) تأثیر معناداری در رشد متغیرهای پولی و ضریب فزاینده خلق پول دارند و با افزایش فشارهای هزینه‌ای، هر دو آن متغیرها افزایش می‌یابند. از این رو عرضه پول درون‌زا است.

زرآء‌نژاد و سعادت‌مهر (۱۳۸۶) بیان می‌دارند که عرضه پول در ایران درون‌زا بوده و درون‌زایی آن از طریق نرخ بهره (نرخ سود علی‌الحساب) تسهیلات اعطایی بانک‌های تجاری و تخصصی صورت می‌گیرد. فعالیت بانک‌های تجاری و تخصصی از طریق تغییر در ذخایر آزاد با توجه به شرایط سودآوری بازار، عامل مؤثری در گسترش حجم پول در اقتصاد ایران است.

میرمعزی (۱۳۸۷) معتقد است که در اقتصاد اسلامی نیز خلق پول امکان‌پذیر است. ایشان تابع عرضه پول را با فروض بسیاری ارائه داد و یک یک آن فروض را به مرور کنار گذاشت و در انتها تابع عرضه شماره (۱) را بدست می‌آورد:

$$M = M(cu, rr, \rho_c, \rho, \delta, \dot{\pi}) \quad (۱)$$

که در آن: (cu) میل مردم به استفاده از پول نقد در برابر چک (با عرضه پول رابطه منفی دارد)، (π) نرخ ذخیره قانونی (با عرضه پول رابطه منفی دارد)، (ρ_c) سهم بانک مرکزی از نرخ سود سرمایه‌گذاری سپرده‌ها (با عرضه پول رابطه منفی دارد)،

(p) سهم سپرده‌گذاران از نرخ سود (با عرضه پول رابطه مثبت دارد)، (δ) سهم دریافت‌کنندگان تسهیلات از سود (اثر روشنی بر عرضه پول ندارد)، (π) نرخ سود انتظاری سرمایه‌گذاری (اثر روشنی بر عرضه پول ندارد) می‌باشد. وی در ادامه و برای به دست آوردن تابعی برای بازار پول، عرضه را ثابت فرض کرده و به ادامه مباحث خود می‌پردازد.

حسن^۱ (۲۰۰۸) معتقد است که بانک‌های اسلامی می‌توانند به روش معمول خلق اعتبار کنند اما بانک مرکزی ناگزیر به طراحی ابزارهای جدید کاربردی برای کنترل بانک‌های اسلامی است. او بیان می‌کند که اگر محققان اقتصاد اسلامی خلق پول بانکی را مردود بدانند، باید توضیح بدهند که قبض و بسط در عرضه پول چگونه خواهد بود. همچنین او (۲۰۱۱) بیان می‌دارد که پول فقط یک ابزار است و آن را هرگز نمی‌توان به اسلامی و غیراسلامی طبقه‌بندی کرد. خوب یا بد بودن آن، بستگی به نحوه استفاده از آن دارد. پول و خلق اعتبار، بحران تولید نمی‌کند. سوءمدیریت آن بحران تولید می‌کند. سپس به این نتیجه می‌رسد که عامل انسانی است که منبع مسائل مربوط به پول خوب یا بد برای بشر بوده و دین بر عامل انسانی مؤثر است و باید با تقویت ویژگی‌های اخلاقی، سوءمدیریت را برطرف کرد.

زمان‌زاده (۱۳۹۰) بیان می‌نماید که تغییرات نرخ رشد پایه پولی عامل مسلط در تغییرات نرخ رشد حجم پول و نقدینگی بوده است. در طول دهه‌های اخیر، از میان دارایی‌های بانک مرکزی، دو عامل خالص بدهی‌های دولت به بانک مرکزی و دارایی‌های خارجی بانک مرکزی در مجموع، نقش اصلی را در افزایش پایه پولی داشته‌اند.

مجاهدی‌موخر و همکاران (۱۳۹۰)، ضمن بیان دیدگاه‌ها و اندیشه‌های بانکداری ذخیره جزئی، تأثیرات این شیوه بانکداری بر رفتار مصرفی و انباشت سرمایه را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بانکداری ذخیره جزئی در بستر خلق اعتبار، همواره سودی سرشار از فعالیت وام‌دهی

دریافت می‌کند. این در حالی است که جامعه باید هزینه این سود سرشار را از ناحیه تورم خودافزا و کاهش ارزش حقیقی قید بودجه در دو دوره زندگی را تحمل کند.

صمصامی و همکاران (۱۳۹۳) معتقدند که عملکرد بانکداری متعارف با سیستم ذخیره جزئی موجب خلق گسترده پول به نفع نظام بانکی و تحمیل مشکلات تورمی آن به برخی از اجزای جامعه، سرایت مشکلات وام گیرندگان به بانک‌ها و در برخی موارد به سپرده‌گذاران، بروز بحران‌های پولی و بانکی و ایجاد شوک‌های شدید پولی، سواری مجانی، انتخاب بد و خطر اخلاقی، ناهمگونی اساسی و ضرورت برقراری مقررات احتیاطی، تحمیل هزینه‌های زیاد مالی، غیرنقد بودن سیستم و ریسک‌دار بودن و غیرشفاف شدن می‌شود. ایشان در این مطالعه، برای محاسبه هزینه‌های خلق پول در نظام بانکی دو سناریو ارائه می‌کنند؛ سناریوی نخست، خلق پول به روش نظام بانکداری با ذخیره جزئی و سناریوی دوم، خلق پول از طریق بانک مرکزی با اعاده نرخ ذخیره قانونی صددرصد است و در آخر به این نتیجه می‌رسند که با کاهش نرخ ذخیره قانونی، زیان اجتماعی و بی‌ثباتی افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، افزایش نرخ ذخیره قانونی در فرآیند خلق پول نظام بانکی موجب کاهش هزینه اجتماعی و بی‌ثباتی در اقتصاد می‌شود.

صمصامی و کیان‌پور (۱۳۹۴) به این مسأله تأکید می‌نمایند که خلق پول در نظام مالی اسلامی مشروع نیست. یافته‌های این پژوهش که بر اساس رویکرد «کل‌گرایانه-غایت محور» رایج در مطالعات اقتصاد اسلامی به دست آمده است، نشان می‌دهد که خلق پول توسط نظام بانکی به بی‌ثباتی اقتصادی منجر می‌شود.

باستانی‌فر و همکاران (۱۳۹۵) معتقدند از دید شهید صدر در عرصه بانکداری اسلامی، خلق اعتبار، مبتنی بر ضوابط شرعی، امکان‌پذیر است. نتیجه‌ها گویای آن است که اثر شریعت شامل بدهکار بودن متقاضی اعتبار، التزام به اجرای شرط قبض، اطمینان بانک به اطلاعات متقاضی وام، جواز و لزوم عقد قرض بر ضریب فزاینده خلق پول اثرگذار بوده و وجه تمایز الگوی خلق اعتبار از دید شهید صدر با خلق اعتبار در نظام بانکداری متعارف است.

اثنی عشری و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی و واکنش تولید ناخالص داخلی در طول زمان نسبت به متغیرهای تأثیرگذار مانند سرمایه، نیروی کار و حجم نقدینگی در دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۵۷ پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که روند تغییرات نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد نقدینگی با هم متناسب نیست و این نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری در بخش پولی کارا نبوده است. ایشان پیشنهاد کردند که بانک مرکزی از استقلال عملیاتی مناسب برخوردار بوده و نرخ رشد نقدینگی متناسب با نرخ رشد تولید ناخالص داخلی تغییر کند.

بخشی دستجردی و همکاران (۱۳۹۸) معتقدند که نوع عملکرد فعالیت نهاد بانک در جذب سپرده، اعطای وام و خلق پول درونی می‌تواند اقتصاد را با چالش‌های بالقوه‌ای مواجه سازد. عدم تخصیص بهینه منابع در نظام بانکی و دامن زدن به تورم توأم با رکود، عدم تعادل‌های پولی و تسری آن به بخش حقیقی اقتصاد و اشکالات مترتب بر تفاوت‌های سرسیدی، عدم هدایت اعتبارات بانکی به سمت بخش‌های تولیدی از جمله مواردی است که می‌توان در اقتصاد بانک محور ایران مشاهده نمود. نتایج حاصل از طراحی سناریوهای مختلف در این پژوهش نشان می‌دهد که افزایش نرخ ذخیره قانونی در ازای سپرده‌های کوتاه مدت تا مرز ۱۰۰٪ و حذف قدرت وام‌دهی بانک‌ها از محل این نوع سپرده‌ها و همچنین افزایش نرخ ذخیره قانونی در ازای سپرده‌های بلندمدت و تعیین یک نرخ تعادلی توسط بانک مرکزی، قدرت خلق پول بانک‌ها را کاهش داده و منجر به ثبات عرضه پول، ثبات سطح قیمت‌ها و هزینه‌های تولید در درازمدت می‌گردد.

با بررسی این مطالعات می‌توان گفت، در پژوهش بازمحمدی (۱۳۷۸)، این نکته قابل تأمل است که به جواز یا عدم جواز خلق پول از منظر اسلام توجهی نشده و خلق پول در ایران را مجاز شمرده است. همانند ایشان، الزامل و بن‌جیلانی (۱۳۷۸) ضریب تکاثر پول را محاسبه کرده و قائل به امکان خلق پول هستند. همچنین این نکته در پژوهش آن‌ها قابل توجه است که برای ترسیم منحنی عرضه پول با تحلیل‌های حدسی و غیر دقیق، عرضه پول را نسبت به نرخ سود انتظاری صعودی ترسیم می‌کنند. فرزین‌وش و رحمانی (۱۳۷۹) و زراءنژاد و سعادت‌مهر

(۱۳۸۶) نیز به جواز یا عدم جواز خلق پول از منظر اسلام توجهی نکرده و با توجه به امکان خلق پول، عرضه پول را درون‌زا در نظر گرفته‌اند. در حالی که امکان خلق پول در اقتصاد یا رویکرد اسلامی امکان پذیر نبوده لذا درون‌زایی پول از این منظر منتفی خواهد بود^(۱). میرمعزی (۱۳۸۷) نیز معتقد به امکان خلق پول در اقتصاد اسلامی است. در حالی که خلق پول سبب بی‌ثباتی و بحران‌های اقتصادی خواهد شد. همچنین اگر قائل به امکان خلق پول باشیم می‌بایست مشخص شود کدام نهاد باید انجام این کار را بر عهده داشته باشد. این ایراد به پژوهش زیبر حسن (۲۰۰۸ و ۲۰۱۱) نیز وارد است، به نظر وی موضوع اصلی، اصل خلق اعتبار نیست بلکه اینکه این پول خلق شده چگونه و در کجا استفاده شود مهم است. در پژوهش‌های مجاهدی‌موخر و همکاران (۱۳۹۰) و صمصامی و همکاران (۱۳۹۳) و بخشی دستجردی و همکاران (۱۳۹۸)، اعتقاد به عدم امکان خلق پول همراه با نظام بانکداری با ذخیره صددرصدی وجود دارد. صمصامی و کیان‌پور نیز خلق پول را در نظام اسلامی مشروع نمی‌دانند. در صورتی که باستانی‌فر و همکاران (۱۳۹۵) خلق پول را از دیدگاه شهید صدر مبتنی بر ضوابط شرعی امکان‌پذیر می‌دانند.

با توجه به تحقیقاتی که در بالا ذکر شد، در سال‌های گذشته در مورد عرضه پول کارهای کمی انجام گرفته است. اکثر تحقیقات در مورد عرضه پول صحبتی به میان نیاورده و یا بیشتر در مورد خلق پول بحث نموده‌اند. آن‌ها خلق پول را در اقتصاد با رویکرد اسلامی مردود دانسته و یا با در نظر گرفتن برخی محدودیت‌هایی آن را پذیرفته‌اند. همچنین در بیشتر مطالعات عرضه پول برون‌زا در نظر گرفته شده و آن‌هایی که به درون‌زایی عرضه پول معتقدند به مقوله‌ی حذف نرخ بهره و حرام بودن ربا در اسلام توجهی نداشته‌اند.

خلق پول در اقتصاد متعارف

کنترل عرضه پول همواره از اولویت‌های دولت‌ها در کشور است و در کنار آن به آرامش رساندن فضای اقتصادی، اجرای یک سیاست مناسب پولی و مالی نیز به عنوان استوانه‌های اصلی یک نظام اقتصادی مورد توجه همه ارکان اقتصادی بوده

است. از طرفی، استخراج تابع عرضه پول در هر نظام اقتصادی، بر شناخت سازوکار خلق پول در آن نظام مبتنی است. بحث خلق پول، بحثی چالش برانگیز است. در غرب، پیش از پدید آمدن بانک‌ها، زمانی که پول به صورت مسکوکات طلا و نقره بود یا به صورت اسکناس‌های دارای پشتوانه صددرصد، سازوکار خلق پول به طور کامل روشن بود. در حقیقت این دولت‌ها بودند که حجم پول را تعیین می‌کردند و عرضه پول به صورت متغیر برون‌زا و سیاستی مطرح بود؛ اما از وقتی که بانک‌های تجاری کار خود را آغاز کردند و پول اعتباری را ایجاد کردند، شناخت سازوکار خلق پول دشوار شد. امروزه در نظام سرمایه‌داری، شناخت این سازوکار بر شناخت ساختار بانک‌های سپرده‌پذیر و چگونگی عملکرد آن‌ها و نیز شناخت عملکرد بانک مرکزی و رابطه آن با بانک‌های تجاری مبتنی است. نهاد بانکداری با خلق پول اعتباری از هیچ، اعتبار و وام می‌پردازد و این همان نکته است که گفته می‌شود پول پایه‌اش بدهی است. «موریس اله» معتقد است که خلق پول توسط بانک‌ها نوعی جعل و دزدی به شمار می‌رود که البته به طور قانونی تحت نظام بانکداری ذخیره قانونی جزئی صورت می‌گیرد. خلق اعتبار در اقتصاد متعارف در قالب «بانکداری ذخیره»^۱ جزئی با ایرادات بسیاری از طرف اقتصاددانان مطرح می‌شود. اقتصاددانان متعددی چون هنری «سیمونز»^۲ (۱۹۳۴)، «ایروینگ فیشر»^۳ (۱۹۳۶)، «میلتون فریدمن»^۴ (۱۹۵۹) و «موریس اله» (۱۹۷۴) جهت اصلاح نظام پولی، مکانیسم خلق پول جایگزین پیشنهاد داده‌اند. فیشر خلق پول بانک‌های تجاری در نظام بانکداری مبتنی بر ذخیره جزئی را علت تشدید بحران ۱۹۲۹ می‌داند. (Fischer, 1936) فریدمن (۱۹۵۹: ۶۷-۶۸) نظام ذخیره قانونی جزئی را باعث بی‌ثباتی اقتصاد می‌داند. اگر بخواهیم مشکلات و ایرادات سازوکار خلق پول از دیدگاه اندیشمندان غیر مسلمان را جمع‌بندی نماییم، به صورت زیر می‌توان دسته‌بندی کرد:

-
1. Maurice Allais
 2. Henry Simons
 3. Fischer
 4. Friedman, M.

۱) بی ثباتی اقتصادی (رونق و رکود): در نظام بانکداری مبتنی بر ذخیره جزئی، خلق پول باعث ایجاد و یا تشدید نوسانات اقتصادی می شود و اقتصاد را بی ثبات می کند.

۲) استفاده بیش از اندازه و از بین بردن محیط زیست: برای بازپرداخت بهره های وام های اعطایی بانکها می بایست تولید کالاها و خدمات رشد بیشتری داشته باشد. این امر موجب استفاده بیشتر از منابع و آلودگی بیشتر محیط زیست می شود. لذا گاهی از نظام خلق پول به عنوان بدهی، به عنوان یک عامل توسعه ناپایدار نام برده می شود.

۳) نقض عدالت: خلق پول از هیچ توسط بانکهای تجاری، سود ویژه ای را نصیب آنها می کند. بانکها پول را با بهره بالا به وام گیرندگان می دهند، بدون اینکه خود بهره ای پردازند. این سودی است که از این کار به دست می آورند ولیکن معادل آن سود را به سپرده گذاران باز نمی گردانند و این نقض عدالت در تقسیم سود است.

۴) امکان ورشکستگی بانکها: در نظام مبتنی بر ذخیره جزئی، اگر تمام سپرده گذاران برای دریافت پول خود مراجعه نمایند، بانکها نمی توانند جوابگوی آنان باشند. لذا، بانکها ورشکسته خواهند شد.

۵) افزایش تقاضای پول نسبت به عرضه آن: در بانکداری مبتنی بر ذخیره جزئی، بیشتر از پول و اسکناس منتشر شده، تقاضای پول می شود. افزایش قیمت ها، باعث افزایش تقاضای پول برای انجام مبادلات می شود.

خلق پول از دیدگاه اندیشمندان مسلمان

با توجه به اهمیت افزایش حجم پول و خلق آن در اقتصاد اسلامی این بحث مورد توجه بسیاری از اقتصاددانان اسلامی بوده است. در زمینه جواز یا عدم جواز خلق پول در اقتصاد با رویکردی اسلامی، دیدگاه های مختلفی مطرح شده است، گروهی اعتقاد به جواز خلق پول بدون هیچ محدودیتی دارند؛ گروهی نیز خلق پول را با ضوابطی می پذیرند و گروهی به رد امکان خلق پول اعتقاد دارند که در جدول ۱ خلاصه مهم ترین نظریات مطرح شده در این زمینه دسته بندی شده است.

جدول ۱. خلاصه نظریات اقتصاددانان مسلمان در مورد امکان خلق پول در اقتصاد با رویکرد اسلامی

اقتصاددان مسلمان	نظر اقتصاددان مسلمان در مورد امکان خلق پول
۱ شهید صدر	- خلق پول جایز نیست
۲ منذر قحف	- بانک های تجاری می توانند تنها سپرده های دیداری ایجاد کنند - این فعالیت باید توسط دولت و نه بخش خصوصی اداره شود - بانک های تجاری مجاز به خلق پول نیستند و این فعالیت در انحصار دولت است
۳ چپرا	- اقدام بانک های تجاری به خلق سپرده ها در نظام اسلامی را به دو شرط جایز است: ۱- شرط اتخاذ تدابیر مناسب برای تضمین خلق سپرده های مشتق شده مطابق نیازهای اقتصاد مالی غیرتورمی ۲- اختصاص سود حاصل از سپرده های مشتق شده به کل جامعه و نه افراد صاحب نفوذ
۴ صدیقی	- هیچ خطری از افزایش بیش از حد اعتبار (خلق پول) در سیستم بدون بهره نمی بیند - مسئولیت ضرر و زیان به طور مؤثر بانک ها را مهار خواهد کرد - در صورت وجود بی عدالتی توزیعی، می توان از طریق تمهیدات نهادی مورد مراقبت قرار داد - بانک های اسلامی نسبت به حالت متداول، باید ذخیره ی قانونی کمتری در بانک مرکزی نگه دارند
۵ توتونجیان	- بانک وسیله ی پدید آوردن سرمایه است نه پول - نیازی به ذخیره ی قانونی نیست و تورم نیز وجود نخواهد داشت - افزایش حجم پول از طریق افزایش سپرده ها همواره به افزایش سرمایه تبدیل می شود
۶ انور	- خلق پول توسط نظام بانکی خوردن مال مردم است - خلق پول باعث افزایش عرضه ی پول و در نتیجه افزایش تورم و ویرانی جامعه می شود - ناتوانی بانک ها در پاسخ گویی به درخواست مشتریان در هنگام هجوم بانکی، مانع انجام دستورات خدا در مورد بازگرداندن امانت است
۷ یونس المصری	- الزام به نگهداری صد درصد ذخایر قانونی - ضرب پول از وظایف حکومت است و انجام آن توسط غیر امام جایز نیست - دولت حافظ مصالح عمومی است
۸ حسن	- فرایند خلق پول به خاطر نیازمندی های اقتصادی جامعه ضروری است - این فرایند نیازمند قاعده گذاری و کنترل از حیث اندازه (درجه ی خلق پول) و جهت گیری (مقصد منابع خلق شده) و نسبت نفع بری بانک و جامعه است
۹ سانی و همکاران	- بانک داری ذخیره ی جزئی نقض کننده ی اصول مقاصدالشریعه است به دلیل: (الف) در بانک داری ذخیره ی جزئی، منافع فرایند خلق پول نصیب عده ای معدود می شود و عموم مردم از آن بی بهره اند یا متضرر می گردند (ب) سازوکار، خلق پول بانکی، ثروتمندان را ثروتمندتر و فقرا را فقیرتر می کند (ج) وام دادن سپرده های مردم بدون اذن و رضایت آن ها نقض اصل «عدالت و انصاف» است
۱۰ صمصامی و همکاران	- عملکرد بانک داری ذخیره ی جزئی موجب خلق گسترده ی پول شده که منجر به افزایش هزینه ی اجتماعی و بی ثباتی در اقتصاد می گردد

منبع: مطالعات محقق

با بررسی های انجام گرفته، از دیدگاه این پژوهش، دو دسته استدلال در رد امکان خلق پول توسط بانک های تجاری در اقتصاد با رویکرد اسلامی می توان بیان کرد که در نمودار ۱ نمایش داده شده است:

الف) ناسازگاری با اصول اسلامی - قرآنی

عدم اجرای تعهدات: خداوند در قرآن کریم، مسلمانان را به وفای به عهد دعوت

می‌نماید^(۳). در نظام مبتنی بر خلق پول توسط بانک‌های تجاری، اگر تمام مردم برای دریافت سپرده‌های خود به بانک‌ها مراجعه نمایند، بی‌تردید بانک‌ها قادر به پاسخگویی نخواهند بود و این مصداق خلف وعده است.

اکل مال به باطل: اکل مال به باطل از نظر قرآن و سنت حرام است. حرمت اکل مال به باطل یک قاعده کلی است و در تمام روابط اقتصادی انسان‌ها مصداق دارد. بنابراین هر نوع تصرف در اموال دیگران که از دیدگاه شرع اکل مال به باطل باشد، حرام و ممنوع است، در حالی که تصرف در اموال دیگران در حین تجارت و از روی تراضی، صحیح و حلال است. (موسویان، ۱۳۹۰: ۸۹) در حالی که بانک‌های تجاری، از طریق ایجاد سپرده‌های بدون پشتوانه نقدی و دوباره وام دادن به پشتوانه همان سپرده‌ها (و بی‌اذن صاحبان سپرده‌ها)، اقدام به خلق پول می‌کنند. بنابراین بانک‌ها در واقع چیزی را می‌فروشند که مالک آن نیستند. پس خلق پول توسط بانک‌های تجاری مصداق «اکل مال به باطل» است.

ب) ناسازگاری با اهداف اقتصاد با رویکرد اسلامی

از اهداف اقتصاد با رویکرد اسلامی می‌توان به ثبات اقتصادی، برقراری عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی و تثبیت قیمت‌ها اشاره نمود که خلق پول توسط نظام بانکی با این اهداف سازگار نمی‌باشد:

بی‌ثباتی اقتصادی: در نظام مبتنی بر خلق پول توسط بانک‌های تجاری، اگر تمام مردم برای دریافت سپرده‌های خود به بانک‌ها مراجعه نمایند، بی‌تردید بانک‌ها قادر به پاسخ‌گویی نخواهند بود و ورشکستگی بانک‌ها محتمل می‌باشد. این ورشکستگی در نظام مالی اختلال ایجاد کرده و ثبات اقتصادی در جامعه را بر هم خواهد زد.

نقض عدالت و عدالت اجتماعی: عدالت اجتماعی از اصطلاحات علوم اجتماعی و سیاسی است و همواره آرزوی انسان بوده است و به معنای رعایت تناسب، استحقاق‌ها و شایستگی‌ها در ساحت اجتماع است. در این تعریف، هر گروه و صنف و طبقه‌ای باید در جایگاه شایسته خویش جای گیرد و در پی جایگاه دیگران برنیاید. عدالت اجتماعی مبتنی بر احوال و افعال اعضای جامعه

است و مرتبت هر کس بنابر استحقاق و استعداد او تعیین می‌شود. (خطیبی و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۳۳) در نظام بانکداری مبتنی بر خلق پول، بانک‌ها در اعطای وام اولویت را به وام‌گیرندگان با پشتوانه مالی بزرگتر می‌دهند؛ چرا که بانک‌ها به طور طبیعی، در اعطای وام به ظرفیت بازپرداخت وام و درجه اعتبار وام‌گیرنده، که تابعی از دارایی و ثروت است، توجه دارند. این موضوع شرایطی را ایجاد می‌کند که در آن، ثروتمندان ثروتمندتر و فقرا فقیرتر می‌شوند و این یکی از مصادیق نقض عدالت اجتماعی است.

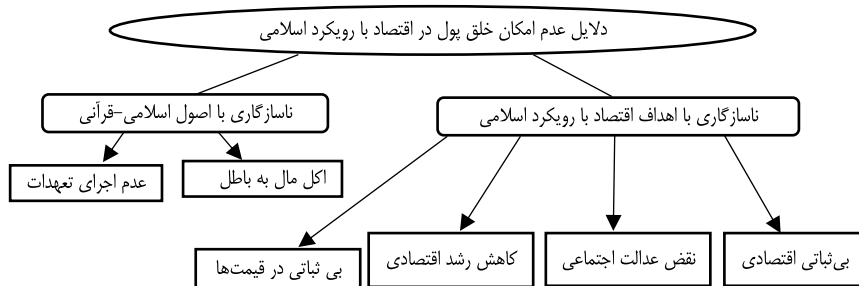
از طرفی سازوکار کنونی خلق پول منجر به تمرکز ثروت واقعی نزد تعداد محدودی از افراد می‌شود و خلاف دستور قرآن است که می‌فرماید: «نباید مداری در بین ثروتمندان در بین شما تشکیل شود». (حشر: ۷) از این‌رو، بحث از «عدالت» در نظام اسلامی، با خلق پول توسط نظام بانکی معنا ندارد.

کاهش رشد اقتصادی: به یقین، می‌توان اظهار داشت که هیچ نظام اقتصادی در طول تاریخ سامان نیافته، مگر آن که رشد اقتصادی و آبادانی تمام بخش‌های آن برای تولیدات بیشتر، از اهداف آن بوده است. به همین سبب، هر نظامی برای دستیابی به رشد موردنظرش، کوشش‌های فراوانی می‌کند. (یوسفی؛ ۱۳۸۶: ۳۰۸) با وجود این، خلق پول توسط بانک‌های تجاری در جهت ممانعت از رشد اقتصادی عمل می‌کند؛ زیرا بانک‌ها برای به دست آوردن سود بیشتر، در فعالیت‌های و سرمایه‌گذاری‌های بی‌فایده اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کنند. در نتیجه، وام‌دهی و ایجاد پول‌های جدید به جای اینکه در سرمایه‌گذاری‌های مفید قرار گیرد، به سمت املاک و سفته‌بازی هدایت می‌شود. از طرفی خلق پول همراه بهره است و به طور معمول بهره هزینه طرح‌های سرمایه‌بر را بیشتر می‌کند و در نتیجه، از رشد اقتصادی ممانعت به عمل می‌آورد.

بی‌ثباتی در قیمت‌ها: به طور کلی، ثبات قیمت‌ها (کنترل تورم) به عنوان یکی از اهداف اقتصادی نظام مالی اسلامی است. بانک‌های مرکزی سعی در کنترل تورم دارد. لذا آن‌ها تصمیم می‌گیرند که چه مقدار پول منتشر کنند و به گردش درآورند و این اطمینان برایشان حاصل شود که نه بیش از حد باشد و نه خیلی کم، درحالی

که با خلق پول توسط بانک‌های تجاری، تغییرات حجم پول دیگر در دست بانک مرکزی نخواهد بود. به همین سبب، توان کنترل تورم آسان نخواهد بود. (Huber and Robertson, 2014: 35) خلق پول مسئول تورم و موجب ویرانی جامعه است (انور؛ ۲۰۰۰: ۱۳)، لذا خلق پول توسط بانک‌های تجاری موجب تورم و بی‌ثباتی قیمت‌ها خواهد شد.

نمودار ۱. دلایل رد امکان خلق پول توسط بانک‌ها



منبع: مطالعات محقق

بر اساس قاعده حرمت اکل مال به باطل، خلق پول با توجه به این که سبب ضایع شدن اموال و دارایی‌های بخشی از مردم می‌شود، جایز نیست، چرا که باعث تضییع و اتلاف اموال مردم خواهد شد (حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۲۴ و ۱۲۵) و بانک‌های تجاری نیز ضامن این اتلاف اموال نمی‌شوند. اما اقتصاد به پول نیاز دارد و انجام مبادلات کنونی بدون پول ممکن نیست. لذا سؤال اساسی آن است که با توجه به ضرورت وجود پول و انتشار آن و از سوی دیگر آثار توزیعی آن، چه نهادی باید خلق پول را انجام دهد. با توجه به آثار زیان‌بار بیان شده برای خلق پول (از جمله عدم وجود عدالت در آن و ایجاد بی‌ثباتی و نوعی خیانت در امانت در مورد سپرده‌ها و ...)، در چارچوب آموزه‌های اسلامی، امکان خلق پول در نظام بانکداری اسلامی وجود ندارد و فقط برای بانک مرکزی (دولت) این امکان وجود دارد که پول ایجاد نماید، چرا که دولت اسلامی در راستای منافع عمومی قدم برمی‌دارد و لذا منافع ناشی از انتشار پول دوباره به خود مردم باز خواهد گشت. بانک‌های تجاری نیز می‌بایست به یک واسطه مالی تبدیل شوند که امکان خلق پول نداشته باشند. بانک از سوی مردم وکیل خواهد شد که وجوه آن‌ها را در قالب‌های

مختلف سرمایه‌گذاری کند. لذا این بانک مرکزی (دولت) است که بر اساس اهداف خود و نیازهای اقتصادی تعیین می‌کند که حجم پول در اقتصاد به چه میزان باشد. در این صورت حجم پول به طور کامل در اختیار بانک مرکزی خواهد بود و سپرده‌های بانکی، دیگر پول محسوب نمی‌شوند و بنابراین نیازی به ذخایر قانونی به عنوان ابزاری جهت کنترل حجم پول و یا کنترل خلق پول بانک‌ها نخواهد بود. بنابراین با سپرده‌گذاری در بانک و اعطای وام، حجم پول در اقتصاد افزایش نمی‌یابد، بلکه به صورت مستقیم وجوه سپرده‌گذاران به سرمایه‌گذاران منتقل خواهد شد، در حالی که در نظام بانکداری مبتنی بر ذخیره جزئی، با اعطای وام، پول جدید خلق می‌شود و حجم پول افزایش خواهد یافت.

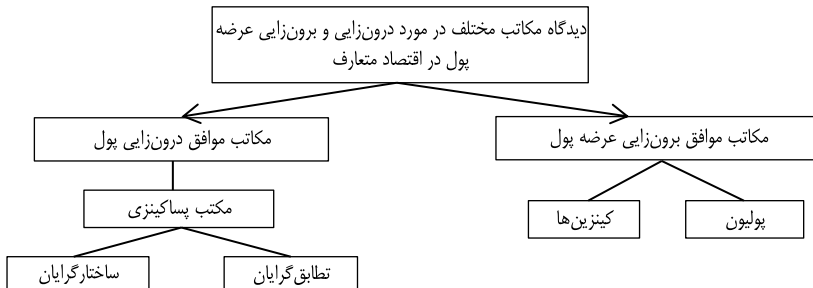
درون‌زایی و برون‌زایی عرضه پول از دیدگاه اقتصاد متعارف و اقتصاد با رویکرد اسلامی

بررسی درون‌زا یا برون‌زا بودن عرضه پول از اهمیت خاصی برخوردار است. در حالت برون‌زا، عرضه پول و حجم پول، وابسته به ذخایر کل بانک مرکزی است. یکی از فروض اساسی بسیاری از مدل‌های اقتصاد کلان، فرض برون‌زایی عرضه پول است. زمانی که عرضه پول برون‌زا فرض شود، تجزیه و تحلیل‌ها بر روی تقاضای پول قرار خواهد گرفت. در بررسی روند تاریخی رواج دو اصطلاح درون‌زایی و برون‌زایی عرضه پول می‌توان مکاتب مختلف در اقتصاد متعارف را به دو دسته کلی تقسیم کرد: مکاتب موافق برون‌زایی عرضه پول و مکاتب موافق درون‌زایی پول. در نمودار ۲ می‌توان این دسته‌بندی را ملاحظه نمود.

رواج فرض برون‌زایی عرضه پول از کتاب کینز^۱ و کارهای فریدمن بود. کینز عرضه پول را برون‌زا و مستقل در نظر می‌گیرد و معتقد است که کنترل پول و پایه پولی در اختیار بانک مرکزی است و مقدار پول تا حدود زیادی در بیرون از مدل اقتصادی تعیین می‌شود. (شاکری، ۱۳۹۱: ۲۱۹) همچنین ادعاهای اصلی پولیون چنان که توسط فریدمن اشاره می‌شود این است که: (۱) عرضه پول توسط بانک مرکزی کنترل می‌شود؛ (۲) پول مهم‌ترین مسأله است و سیاست‌های مالی مؤثر

نیستند. (عرب یار محمدی و عرفانی، ۱۳۹۵: ۱۰۲)

نمودار ۲. دسته‌بندی دیدگاه مکاتب مختلف در مورد درون‌زایی یا برون‌زایی عرضه پول



منبع: مطالعات محقق

از اوایل دهه ۱۹۶۰، درون‌زایی پول توسط نئوکینزین‌ها مورد توجه قرار گرفت. از اواخر دهه ۱۹۷۰ به بعد، اقتصاددانان بعد-کینزی (پساکینزی) توجه بیشتری به درون‌زایی عرضه پول مبذول داشتند. (فرزین‌وش و رحمانی، ۱۳۷۹: ۸۴) «توبین»^۱ اولین اقتصاددانی بود که در مورد فرض برون‌زایی عرضه پول تردید داشت. در حالت درون‌زا، اقتصاددانان معتقدند که مقامات پولی به سادگی قادر به کنترل حجم پول در اقتصاد نیستند. در نگرش پساکینزی‌ها این تقاضا برای وام‌های بانکی و به دنبال آن اعطای وام از سوی بانک‌ها است که منجر به خلق سپرده‌ها و در نهایت خلق پول به صورت درون‌زا می‌شود. بانک‌های تجاری با واکنش نشان دادن در برابر نرخ بهره و از طریق فرآیند خلق پول بر عرضه پول تأثیر می‌گذارند. (زرانژاد و سعادت‌مهر، ۱۳۸۶: ۵) البته نظریه درون‌زایی پول، به عنوان یکی از اصول بنیادین اقتصاد پساکینزی، پیش از آن‌ها در مطالعات «ویکسل»^۲ (۱۹۳۶)، «شومپیتر»^۳ (۱۹۱۲)، «کالکی»^۴ (۱۹۵۴) و «روبینسون»^۵ (۱۹۷۰) مورد توجه بود و به وسیله «کالدور»^۶ (۱۹۷۰ و ۱۹۸۵) در مقابل نظریه پولی پولیون، به شکل

1. Tobin
2. Wicksell
3. Schumpeter
4. Kalecki
5. Robinson
6. Kaldor

قابل توجهی بسط داده شد. (عرب یار محمدی و عرفانی، ۱۳۹۵: ۱۰۱)

دو دیدگاه اصلی در مورد درون‌زایی پول پسا‌کینزی وجود دارد: دیدگاه «تطابق‌گرایی»^۱ و دیدگاه «ساختارگرایی»^۲. هر دو دیدگاه معتقدند که فرآیند خلق پول از رفتار بانک‌های تجاری نشأت می‌گیرد. این فرآیند با تقاضای اعتبار آغاز می‌شود. هرچه اعتبار بیشتر، سپرده بیشتری ایجاد شده و پول بیشتری خلق می‌شود.

«تطابق‌گرایان»^(۳) استدلال می‌کنند که افزایش در تقاضای اعتبار باعث نیاز به ذخایر اضافی می‌شود. بانک مرکزی برای تضمین نقدینگی بخش بانکی، پایه پولی را افزایش می‌دهد و باعث تأمین مالی تقاضای اعتبار می‌شود. (بیابانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۳۶) به عبارت دیگر آن‌ها ادعا می‌کنند که محدودیت ذخایر برای بانک‌ها وجود ندارد، زیرا بانک مرکزی ذخایر مورد نیاز برای افزایش اعتبارات را به طور کامل ارائه می‌دهد؛ بنابراین عرضه وام‌های بانکی در دیدگاه ایشان به صورت افقی و به صورت کامل با کشش خواهد بود. در مقابل ساختارگرایان معتقدند محدودیت ذخایر برای بانک‌ها عامل مهم و اثرگذاری است و می‌تواند منجر به افزایش قیمت (نرخ بهره) عرضه وام‌های بانکی شود. بنابراین در دیدگاه ساختارگرایی منحنی عرضه وام‌های بانکی دارای شیب صعودی است. از دیدگاه ساختارگرایان برای بانک مرکزی در تعیین عرضه پول نقش و جایگاه مهمی وجود دارد. ساختارگرایان انتقادهایی را به تطابق‌گرایان وارد می‌کنند. از دید ساختارگرایان بانک‌های مرکزی نمی‌توانند همیشه نیازها را برای وجوه همراهی کنند (برآورده کنند). اگر حتی بانک‌های مرکزی به طور کامل تقاضا برای وجوه را همراهی می‌کردند، این بدین معنی نیست که عرضه اعتبار افقی است، زیرا زمانی که فعالیت‌های اقتصادی بر اثر افزایش بدهی یا سهم نقدینگی هم از طرف قرض‌گیرندگان و هم از طرف قرض‌دهندگان بالا رود، نیروهای درون‌زا، نرخ بهره را به سمت بالا حرکت خواهند داد. بدین طریق، در کل، عرضه برای وجوه و عرضه برای وام‌ها توسط منحنی‌های با شیب مثبت نشان داده می‌شوند. (بیغامی، ۱۳۹۴: ۱۵)

1. Accommodationism

2. Structuralism

بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در اقتصاد با رویکرد اسلامی نشان می‌دهد تحقیقات قابل توجهی در این زمینه صورت نگرفته است. در اقتصاد با رویکرد اسلامی، در بیشتر مطالعات عرضه پول برون‌زا در نظر گرفته شده است؛ برای نمونه محسن‌خان، منصور اقبال و هادی عربی، عرضه پول را ثابت یا برون‌زا فرض کرده‌اند^(۵) و آن را می‌توان به دلیل حذف نرخ بهره و حرام بودن ربا در اسلام و همچنین مردود دانستن خلق پول توسط بانک‌های تجاری دانست.

در مقابل مهم‌ترین پژوهش در زمینه درون‌زایی پول را می‌توان پژوهش «چودری»^۱ (۱۹۹۷ و ۲۰۰۵)، توتونچیان (۲۰۱۱) و سبجانی و ملکی (۱۳۹۲) بیان کرد. چودری با اعتقاد به نظریه درون‌زایی پول در نظام اسلامی، بیان می‌نماید: «تجهیز منابع بر اساس شریعت اسلامی باید به طریقی صورت پذیرد که بر اساس آن یک رابطه نزدیکی بین متغیرهای پولی و فعالیت‌های مولد حقیقی ایجاد شود. در این شرایط، طبیعت پول اقتضا می‌کند که به صورت درون‌زا وارد چرخه اقتصادی شود.» (Choudhury, 2005: 3) همان طور که او بیان می‌نماید، از آن جا که سرمایه‌گذاری جدید بر اساس رشد بخش حقیقی اقتصاد است، بنابراین پول جدید که وارد اقتصاد می‌شود باید برابر با رشد اقتصادی باشد که این مفهوم در واقع بیانگر درون‌زایی پول در نظام اسلامی است. (Choudhury, 2005: 4) توتونچیان نیز معتقد است بر خلاف سیستم سرمایه‌داری، که در آن پول می‌تواند در ابتدا باعث ایجاد تحرک در اقتصاد شود، در سیستم اسلامی فرآیند بر عکس است که این موضوع نشان‌دهنده درون‌زایی پول می‌باشد. (Toutounchian, 2011: 198) سبجانی و ملکی (۱۳۹۲) به موضوع درون‌زایی پول از منظر پساکینزین‌ها و همچنین بر اساس رویکرد اسلامی پرداخته‌اند. ایشان بیان کردند از دیدگاه پساکینزین‌ها ایجاد رابطه اعتبار دهنده-وام گیرنده و شکل‌گیری تقاضای تأمین مالی در بخش واقعی اقتصاد عامل اصلی درون‌زایی پول محسوب می‌شود و نرخ بهره در این دیدگاه عامل درون‌زایی عرضه پول است. اما در نظام مالی اسلامی، با تأکید بر تحریم ربا، درون‌زایی پول به دلیل پیوند درون‌زای بخش پولی و بخش

واقعی اقتصاد است.

در مورد سایر پژوهش‌ها در زمینه درون‌زایی یا برون‌زایی عرضه پول در بین اندیشمندان و اقتصاددانان مسلمان می‌توان گفت که بیشتر در مورد کشور خاص صحبت به میان آمده است. به طور مثال در مورد اقتصاد ایران پژوهش‌های زیر انجام گرفته‌اند^(۶). البته این ایراد به اکثریت آن‌ها وارد است که اقتصاد ایران را در قالب یک اقتصاد با رویکرد اسلامی مورد بررسی قرار نداده و در قالب اقتصاد متعارف و قبول نرخ بهره به بحث پرداخته‌اند.

با توجه به مطالبی که در رابطه با دیدگاه‌های مکاتب مختلف در اقتصاد متعارف بیان شد، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که هسته اصلی نظریات درون‌زایی پول در اقتصاد متعارف، شکل‌گیری رابطه قرض، مبتنی بر نرخ بهره است که کارکرد نرخ بهره در قرارداد قرض بسیار حیاتی است^(۷). در صورتی که در اقتصاد با رویکرد اسلامی به دلایل بسیاری بهره و ربا حرام بوده و منع شده است. از طرفی در زمینه دیدگاه‌های پساکینزی می‌توان گفت با اینکه جواز خلق پول در اقتصاد با رویکرد اسلامی وجود ندارد ولی از آن جا که نقطه شروع فرآیند تأمین مالی در نظام اسلامی نیز نیاز شکل گرفته در بخش حقیقی اقتصاد است لذا دیدگاه تطابق‌گرایان در زمینه درون‌زایی پول با محدودیت قائل شدن در زمینه نرخ بهره به نظر نگارنده این پژوهش در اقتصاد با رویکرد اسلامی نیز قابل استفاده است. بدین روی، از دید این پژوهش، عرضه پول درون‌زا است ولیکن نه به جهت دخالت نرخ بهره، بلکه از جهت هماهنگی با تولید حقیقی در اقتصاد. چرا که نیاز به افزایش تولید حقیقی نیازمند پول بیشتر برای سرمایه‌گذاری است لذا بانک مرکزی می‌تواند در زمان رونق، با توجه به نیاز اقتصاد و میزان رشد تولید حقیقی (و نه بر اساس صلاح دید خویش)، رشد پولی ایجاد نماید. البته دوباره تأکید می‌شود که باید توجه داشت امکان خلق پول برای بانک‌های تجاری وجود ندارد و کنترل پولی با بانک مرکزی است (همانند دیدگاه تطابق‌گرایان)، همچنین امکان تخطی و سوءاستفاده به بهانه‌های مختلف، از این قدرت انتشار پول توسط حاکمیت به دلیل آنکه یک جامعه ایده‌آل اسلامی پیش‌فرض این پژوهش می‌باشد، وجود ندارد.

عوامل مؤثر بر تابع عرضه پول در اقتصاد با رویکردی اسلامی

در مورد نرخ بهره بحث‌های متعددی ایراد شده است. از دیدگاه گروهی از اقتصاددانان نرخ بهره مثبت، به افزایش نرخ پس‌انداز منجر شده و باعث افزایش سرمایه‌گذاری و تولید می‌شود. در مقابل، گروه دیگری از اقتصاددانان با اذعان به غیراخلاقی بودن رجحان زمانی به عنوان یکی از ریشه‌های اصلی بهره، با آن مخالفت کرده است. برخی از اقتصاددانان صاحب نام معاصر نیز مانند کینز، موریس اله، «آبا لرنر»^۱ (۱۹۵۹)، توپین (۱۹۶۷) و فریدمن (۱۹۶۹) در فضاهاى متفاوتی نشان داده‌اند که استمرار وجود نرخ بهره پولی، تبعات منفی گسترده در اقتصاد دارد و باعث به هم ریختن تخصیص بهینه منابع می‌شود و به بیکاری می‌انجامد. بسیاری دیگر از اقتصاددانان صاحب نام نیز باور دارند که وضعیت بهینه در نظام سرمایه‌داری هنگامی به وقوع می‌پیوندد که نرخ بهره صفر باشد. به عبارت دیگر یکی از راه‌کارهای ایمن بودن در برابر آسیب‌های احتمالی نرخ بهره به سیستم‌های اقتصادی کشورها، سیاست کاهش نرخ بهره یا سیاست‌های «نرخ بهره صفر»^۲ می‌باشد. برخی اقتصاددانان مسلمان نیز بر این اعتقادند که نرخ بهره صفر همان است که اسلام مدنظر دارد. در صورتی که نظریه‌های نرخ بهره صفر در نظام‌های سرمایه‌داری نیز با نظریه تحریم ربا در اسلام، یکسان نیست زیرا که ملاک در اقتصاد اسلامی، حذف بهره است نه صفر شدن آن. (محمودی و محمودی، ۱۳۹۶: ۱۰۸) همان‌طور که «صدیقی»^۳ بیان می‌دارد، منع بهره برای رهایی اقتصاد پول از بی‌عدالتی و استثمار و منطقی ساختن آن ضروری است. (Ariff, 1982: 29) در واقع نظریه تحریم ربا که قائل به عدم وجود بهره پولی است، در اصل، هیچ ریشه واقعی برای بهره قائل نیست و نظریه‌های سرمایه‌داری این را بیان می‌کنند که بهره صفر فقط در وضعیت مطلوب و بهینه اتفاق می‌افتد و در بقیه موارد در پاسخ‌های متفاوت به وضعیت اقتصادی، بهره، مقادیر دیگری را غیر از صفر اختیار خواهد کرد. به عبارت دیگر، نظریه‌های نرخ بهره صفر این مفهوم را

1. Abalerner

2. Zero-intrest rate policy

3. Siddiqi

القا نمی‌کنند که نرخ بهره باید صفر باشد و برای همیشه اجازه ظهور به آن نداد. بلکه هنگامی که در اقتصادهای سرمایه‌داری گفته می‌شود که نرخ بهره صفر است یعنی نرخ بهره این اجازه را دارد که هر وقت لازم باشد، در پاسخ به وضعیت بازار، به نرخ‌های مثبت و منفی هم گرایش یابد؛ اما این نگرش، با نظر اسلام مغایرت دارد. از نظر اقتصاد اسلامی، بهره در هر وضعیت رکود یا رونق، حرام است و قابلیت ظهور ندارد. (محمدی و محمودی، ۱۳۹۶: ۱۰۸) در اسلام، ربا (بهره) مطابق نص صریح قرآن تحریم شده است و هیچ‌یک از بهره‌های مثبت، صفر و منفی که توسط اقتصاددانان غربی موافق و مخالف بهره مطرح شده است، مورد نظر اسلام نیست. بنابراین، صفر و منفی شده بهره یک هدف نهایی نیست و آنچه مطابق با نظر اسلام است تحریم بهره در هر وضعیتی است. (مصدقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۷) هنگامی که بهره به جای صفر شدن، حذف شود، به طور طبیعی امکان تغییر و جابه‌جایی آن از صفر به نرخ‌های دیگر نیز، به خودی خود از بین می‌رود. (محمدی و محمودی، ۱۳۹۶: ۱۰۸) لذا در بین عوامل مؤثر بر عرضه پول که در اکثر مطالعات گذشته بیان شده، دیگر جایگاهی برای نرخ بهره وجود ندارد.

در بخش‌های قبلی این نتیجه به دست آمد که امکان خلق پول در اقتصاد اسلامی وجود ندارد و بانک‌های تجاری فقط یک واسطه مالی هستند و عرضه پول فقط بر عهده بانک مرکزی است که مستقل عمل می‌کند. حال اگر بانک مرکزی استقلال خود را در عرضه پول حفظ ننماید، با هر بار خطا و انحراف از مسیر، مردم جامعه اعتماد خود را به سیاست‌های آن از دست می‌دهند ولیکن هر قدر این استقلال بیشتر حفظ شود مردم در تغییرات سیاست‌های پولی بیشتر به تصمیمات بانک مرکزی در افزایش یا کاهش عرضه پول اعتماد می‌کنند. لذا درجه اعتماد مردم به نظام پولی نیز می‌تواند بر عرضه پول مؤثر باشد.

تولید ناخالص داخلی یا تولید حقیقی عامل دیگری است که بر عرضه پول مؤثر خواهد بود. هر چقدر تولید حقیقی بیشتر باشد نیاز به سرمایه‌گذاری و نیاز به پول بیشتر خواهد بود. اگر در جامعه میزان تولیدات داخلی افزایش یابد و تقاضا

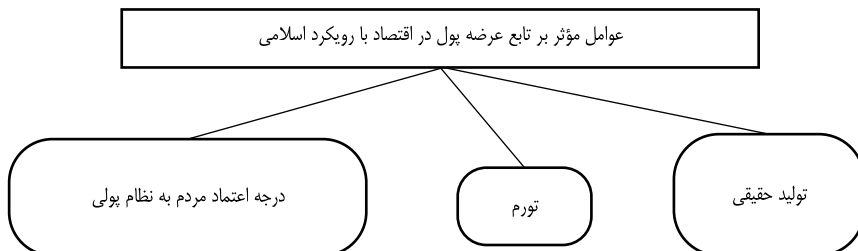
برای خرید این تولیدات وجود داشته باشد، در این صورت بانک مرکزی با افزایش تقاضا برای پول مواجه است و اقدام به انتشار پول می‌کند که نتیجه آن تثبیت قیمت‌ها و رشد اقتصادی است. در غیر این صورت و با تداوم انتشار پول بدون توجه به روند تولیدی کشور، آثاری جز فشار تورمی نخواهد داشت. طبق قاعده پولی فریدمن نرخ رشد نقدینگی بایستی به اندازه نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (تولید حقیقی) باشد. بنابراین اگر نرخ رشد اقتصادی مثبت باشد، نرخ رشد نقدینگی نیز مثبت می‌شود. لذا تمام عملیات پولی بر مبنای بخش واقعی اقتصاد باید پایه‌ریزی شود.

عامل دیگری که می‌توان گفت بر عرضه پول مؤثر است، تورم می‌باشد. اگر بر وسیله مبادله بودن پول تأکید شود، با افزایش تورم، به پول بیشتری جهت خرید کالاها نیاز است و در نتیجه تقاضا برای پول افزایش می‌یابد. (اسلاملوئیان و ذاکری، ۱۳۸۸: ۱۳۸) لذا افزایش قیمت و به تبع آن، تغییرات در سطح عمومی قیمت‌ها، تقاضای پول بیشتری را برای انجام مبادلات یکسان طلب می‌کند. (صمصامی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۶) هرچقدر تقاضای پول افزایش یابد برای حفظ تعادل، عرضه‌ی آن نیز می‌بایست افزایش یابد.

تبیین جبری تابع عرضه پول در اقتصاد با رویکردی اسلامی

همچنان که بیان شد، عوامل مختلفی بر تابع عرضه پول در اقتصاد اسلامی مؤثر هستند که به طور خلاصه در نمودار ۳ مرور شده است.

نمودار ۳. عوامل مؤثر بر عرضه پول در رویکرد اسلامی



منبع: یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، از M به عنوان پول و $\frac{M^S}{P}$ ، عرضه پول استفاده می‌شود. همان طور

که بیان شد، هر چقدر سطح تولید حقیقی افزایش یابد انتظار می‌رود عرضه برای پول افزایش یابد. تولید حقیقی را با نماد «GNP» نشان می‌دهیم. لذا به لحاظ نظری رابطه مثبت بین تولید حقیقی و عرضه پول برقرار است. از آن‌جا که در این پژوهش تأکید بر وسیله مبادله بودن پول داریم با افزایش تورم (ولو برای یک دوره)، میزان عرضه برای پول افزایش خواهد یافت. تورم را با نماد « \dot{P} » نشان می‌دهیم و به لحاظ نظری رابطه مثبت بین تورم و عرضه پول برقرار است. درجه اعتماد مردم به نظام پولی را با نماد «T» نشان می‌دهیم. هر چه جامعه اعتماد بیشتری به نظام پولی داشته باشد، تقاضای افراد جامعه برای پول کاهش خواهد یافت و برای حفظ تعادل، عرضه پول (افزایش میزان حجم پول) نیز کاهش خواهد داشت. به لحاظ نظری رابطه منفی بین درجه اعتماد مردم به نظام پولی و عرضه پول برقرار است.

بدین ترتیب تابع عرضه فرد برای پول در اقتصاد با رویکردی اسلامی (شماره

(۲)) بدین‌گونه خواهد بود:

$$\frac{M^s}{P} = h(GNP, \dot{P}, T) \quad (2)$$

$$\dot{h}(GNP) > 0, \dot{h}(\dot{P}) > 0, \dot{h}(T) < 0$$

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پول و تأثیر آن در اقتصاد موضوعی است که از اهمیت به‌سزایی در مکاتب اقتصادی برخوردار است. در دنیای مدرن امروز، زندگی بشر بدون وجود و عرضه پول امری محال به نظر می‌رسد. کنترل حجم پول همواره از اولویتهای دولت‌ها بوده و در کنار آن به آرامش رساندن فضای اقتصادی، اجرای یک سیاست مناسب پولی و مالی نیز به عنوان استوانه‌های اصلی یک نظام اقتصادی مورد توجه همه ارکان اقتصادی بوده است. اولین گام برای مهار رشد حجم پول، حل مشکلات نظام بانکی است. همان‌گونه که گفته شد، در همه کشورهای جهان هم بانک مرکزی و هم بانک‌ها اقدام به خلق پول می‌کنند. آثار زیان‌بار خلق پول توسط بانک‌های تجاری از دیدگاه اقتصاددانان غربی به اختصار عبارتند از: بی‌ثباتی اقتصادی (رونق و رکود)، بی‌ثباتی در عرضه پول، استفاده بیش از اندازه و از بین

بردن محیط زیست، نقض عدالت، ورشکستگی بانک‌ها، افزایش تقاضای پول نسبت به عرضه آن. از دیدگاه اندیشمندان مسلمان نیز ایراداتی به خلق پول توسط بانک‌ها در اقتصاد اسلامی وارد است از جمله: بی‌ثباتی اقتصادی، فقدان عدالت اجتماعی، کاهش رشد اقتصادی، اکل مال به باطل، عدم ایفای تعهد بازپرداخت سپرده‌ها توسط بانک‌ها. لذا بیشتر آن‌ها مخالف با امکان خلق پول در اقتصاد با رویکرد اسلامی هستند. اما اقتصاد به پول نیاز دارد و حیات جامعه امروزی به پول متکی است. لذا در چارچوب آموزه‌های اسلامی، امکان انتشار پول برای دولت اسلامی وجود دارد، چرا که دولت اسلامی (در یک جامعه اسلامی که پیش‌فرض این پژوهش می‌باشد) در راستای منافع عمومی قدم برمی‌دارد و لذا منافع ناشی از انتشار پول دوباره به خود مردم باز خواهد گشت. بانک‌های تجاری نیز می‌بایست به یک واسطه مالی تبدیل شوند که امکان خلق پول نداشته باشند. بانک از سوی مردم وکیل خواهد شد که وجوه آن‌ها را در قالب‌های مختلف سرمایه‌گذاری کند، لذا این بانک مرکزی (دولت) است که بر اساس نیازهای اقتصادی و میزان رشد تولید حقیقی تعیین می‌کند که حجم پول در اقتصاد به چه میزان باشد.

از آن‌جا که نقطه شروع فرآیند تأمین مالی در نظام اسلامی نیز نیاز شکل گرفته در بخش حقیقی اقتصاد است، لذا دیدگاه تطابق‌گرایان در زمینه درون‌زایی پول با محدودیت قائل شدن در زمینه نرخ بهره در اقتصاد با رویکرد اسلامی نیز قابل استفاده است. بدین روی، عرضه پول درون‌زا است ولیکن نه به جهت دخالت نرخ بهره، بلکه از جهت هماهنگی با تولید حقیقی در اقتصاد. چرا که نیاز به افزایش تولید حقیقی نیازمند پول بیشتر برای سرمایه‌گذاری است لذا بانک مرکزی می‌تواند در زمان رونق، با توجه به نیاز اقتصاد، رشد پولی ایجاد نماید. در پایان، عوامل مؤثر بر عرضه پول را می‌توان این‌گونه نام برد: تولید حقیقی، تورم، درجه اعتماد مردم به نظام پولی.

پی‌نوشت‌ها

۱. در این خصوص در ادامه بیشتر توضیح داده خواهد شد.
۲. نرخ ذخیره قانونی از جمله ابزار غیر مستقیم سیاست پولی است که می‌تواند به طور غیر مستقیم حجم پول را در اقتصاد تغییر دهد. بانک مرکزی با تغییر نسبت ذخیره قانونی حجم مصارف بانک‌ها به ویژه تسهیلات اعطایی و خلق اعتبار آنها را کاهش یا افزایش می‌دهد.
۳. آیه ۹۱ سوره نحل و آیه یک سوره مائده
۴. گاهی نام افق‌گرایی را بر این دیدگاه می‌گذارند (Horizontalism).
۵. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به

Fahim khan; Growth stability and Inflation; Lessons in Islamic Economics, vol. (1), P. 352

۶. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به :

- ۱- فرزین‌وش، اسدالله و رحمانی، تیمور (۱۳۷۹). درون‌زایی عرضه پول و تأثیر فشارهای هزینه‌ای بر آن در اقتصاد ایران. مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۶: ۸۳-۱۱۱.
- ۲- زراءنژاد، منصور و سعادت‌مهر، مسعود (۱۳۸۶). عرضه پول در اقتصاد ایران. پژوهش‌نامه بازرگانی، شماره ۴۵: ۲۲-۱. ۳- بیابانی، جهانگیر و ابوالحسنی‌هستیانی، اصغر و مهرگان، نادر و حسنونند، داریوش (۱۳۹۳). بررسی درون‌زایی عرضه پول ایران (رویکرد آزمون مستقیم). مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، شماره ۱۲، ۲۳۳-۲۵۵. ۴- پیغامی، عادل (۱۳۹۴). درآمدی بر مبادی نظری درون‌زایی پول و دلالت‌های سیاستی آن برای اقتصاد ایران. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی؛ شماره مسلسل: ۱۴۴. ۵- فلاحتی، علی و سهیلی، کیومرث و صادقی نسب، شبنم (۱۳۹۶). درون‌زایی پول در ایران و پیامدهای آن. دوفصلنامه اقتصاد پولی، مالی، شماره ۱۳: ۱-۲۱.
۷. در اقتصاد متعارف نرخ بهره را باید موتور محرک شکل‌گیری مالی دانست.

منابع

قرآن کریم.

اثنی عشری، ابوالقاسم. ابوالحسنی هستیانی، اصغر. رنجبرفلاح، محمدرضا. شایگانی، بیتا. علی‌زاده کلاگر. سید قربان (۱۳۹۸). اثر حجم نقدینگی بر رشد اقتصادی در ایران (با رویکرد مدل پارامتر زمان متغیر). پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال نهم، شماره ۳۵: ۳۴-۱۵.

اسلاملوئیان، کریم. ذاکری، مریم (۱۳۸۸). تأثیر قانون بانکداری بدون ربا بر تابع تقاضای پول ایران. مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۳۵: ۱۲۹-۱۶۰.

الزامل، یوسف بن عبدالله. جیلالی، بوعلام (۱۳۷۸). اقتصاد کلان با نگرش اسلامی. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول.
بازمحمدی، حسین (۱۳۷۸). عرضه پول در اقتصاد ایران. مجله برنامه و بودجه، شماره ۵۱: ۹۶-۶۹.

باستانی‌فر، ایمان. حیدری، محمدرضا. مقدم، وحید (۱۳۹۵). الگوی خلق اعتبار در بانکداری اسلامی متأثر از اندیشه شهید صدر. اقتصاد اسلامی، سال شانزدهم، شماره ۶۱، صص ۱۳۷-۱۵۷.

بخشی‌دستجردی، رسول. طالب‌باغبانی، محمدرضا. مجاهدی‌موخر، محمدمهدی. احمدنیا، محمدصالح (۱۳۹۸). نگرش پویایی سیستم به اثر خلق پول بانکی بر تورم در اقتصاد ایران. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، پیاپی ۸۹: ۹۹-۱۳۷.

بیابانی، جهانگیر. ابوالحسنی هستیانی، اصغر. مهرگان، نادر. حسنونند، داریوش (۱۳۹۳). بررسی درون‌زایی عرضه پول ایران (رویکرد آزمون مستقیم). مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، شماره ۱۲: ۲۳۳-۲۵۵.

پیغامی، عادل (۱۳۹۴). درآمدی بر مبادی نظری درون‌زایی پول و دلالت‌های سیاستی آن برای اقتصاد ایران. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی، شماره مسلسل ۱۴۴، صص ۱-۴۶.

حسینی دولت‌آبادی، سیدمهدی (۱۳۹۴). ترتیبات خلق پول از منظر اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی با تأکید بر نرخ ذخیره قانونی. رساله دکتری، دانشگاه تهران، استاد

- راهنما: آقای دکتر کمیجانی.
- خطیبی، محمد و دیگران (۱۳۸۶). فرهنگ شیعه. قم: انتشارات زمزم هدایت.
- زراءنژاد، منصور. سعادت مهر، مسعود (۱۳۸۶). عرضه پول در اقتصاد ایران. پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۵؛ ۲۲-۱.
- زمان‌زاده، حمید (۱۳۹۰). ارزیابی متغیرهای پولی. تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۱، ویژه نامه همایش ۲۱، صص ۱۷-۲۷.
- سبجانی، حسن. ملکی، منصور (۱۳۹۲). درون‌زایی پول در نظام پولی و مالی اسلامی (تحلیلی مقایسه‌ای با رویکرد پول درون‌زای پساکینزی). جستارهای اقتصادی، شماره ۲۰: ۹-۲۷.
- شاکری، عباس (۱۳۹۱). نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصاد کلان. تهران: انتشارات رافع، جلد اول، چاپ سوم.
- صمصامی، حسین. داودی، پرویز. جهانی‌گوروان، جلال (۱۳۹۳). هزینه‌های خلق پول در نظام بانکداری متعارف و راه‌کار تأمین مالی اسلامی. فصلنامه پژوهش‌نامه اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۵۵: ۷۱-۱۰۳.
- صمصامی، حسین. کیانپور، فرشته (۱۳۹۴). بررسی امکان خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی. دو فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره اول، پیاپی ۱۳: ۱۰۹-۱۳۰.
- عرب یارمحمدی، جواد. عرفانی، علی‌رضا (۱۳۹۵). آزمون درون‌زایی پول در اقتصاد ایران. دو فصلنامه اقتصاد پولی، مالی (دانش و توسعه سابق)، سال بیست و سوم، شماره ۱۱، صص ۱۰۰-۱۲۲.
- فرزین‌وش، اسدالله. رحمانی، تیمور (۱۳۷۹). درون‌زایی عرضه پول و تأثیر فشارهای هزینه‌ای بر آن در اقتصاد ایران. مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۶: ۱۱۱-۸۳.
- گزل، سیلیویو (۱۳۸۳). نظام اقتصاد طبیعی از راه زمین آزاد و پول آزاد. ترجمه سید ابراهیم بیضایی، انتشارات سمت، چاپ اول.
- مجاهدی‌موخر، محمد مهدی. دلالی اصفهانی، رحیم. صمدی، سعید. بخشی‌دستجردی، رسول (۱۳۹۰). مدل‌سازی الگوی رفتار بین نسلی از عملکرد بانکداری ذخیره جزئی با تأکید بر رهیافت موريس آله. فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، شماره ۵، صص ۴۷-۷۴.
- محمدی، حسین. محمودی، مهدی (۱۳۹۶). بررسی اثرات متقابل نرخ بهره با متغیرهای منتخب اقتصاد کلان در کشورهای اسلامی و غیراسلامی. فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، شماره ۲۸: ۱۳۷-۱۰۳.
- مصدقی، انسیه. دلالی اصفهانی، رحیم. واعظ برزانی، محمد (۱۳۹۲). اثر اعمال مالیات گسل در شرایط دام نقدینگی: رهیافت کینزی جدید. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال ۱۸، شماره ۵۶: ۱۵۵-۱۲۳.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۷). اقتصاد با رویکرد اسلامی. انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و

اندیشه اسلامی، چاپ دوم.

یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۶). نظام اقتصاد علوی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- Anwar, M (2000). "Islamicity of banking and modes of Islamic banking", Arab LQ, N. 18: p 62.
- Ariff, Mohammad (1982). MONETARY AND FISCAL ECONOMICS OF ISLAM; Selected Papers; King Abdulaziz University, Jeddah.
- Choudhury, Masudul Alam (1997). The theory of endogenous money in comparative Islamic perspectives; Money in Islam, Routledge, London: pp 38-71.
- Choudhury, Masudul Alam; Hussain, Md. Mostaque (2005). A paradigm of Islamic money and banking; International Journal of Social Economics, 32(3): pp 203-217.
- Fisher, I. (1936). 100% money and the public debt, In Economic Forum, Spring Number :pp 406-420.
- Friedman, M. (1959). A Program for Monetary Stability, New York: Fordham University Press.
- Harris, Laurence (1989). Monetary Theory; New York: McGraw-Hill.
- Hasan, Zubair (2008). "Credit creation and control: An unresolved issue in Islamic banking", International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management, Vol. 1, N. 1; pp 69 – 81.
- Hasan, Zubair (2011). "Money creation and control from Islamic perspective", Journal of Islamic Business and Management, Vol .1, N. 1:pp 49-68.
- Huber, Joseph, Robertson, James (2014). CREATING NEW MONEY A monetary reform for the information age, London, New Economics Foundation.
- Mishkin, F. (2004). the Economics of Money, Banking and Financial Markets, 7th ed., US: The Addison-Wesley series in economics.
- Toutouchian, Iraj (2011). Islamic money and banking: integrating money in capital theory; Wiley.